

موصل؛ حلب و فینال بازی با داعش

بازی فینال بین داعش و مقاومت با احتمال بسیار زیاد طی ماه‌های آینده به نفع مقاومت تمام خواهد شد اما در غرب، اول کار است و بازی مقدماتی بین داعش و اربابانش تازه آغاز خواهد شد.



به گزارش آران نیوز: جعفر بلوری طی یادداشتی در روزنامه کیهان نوشت:

منطقه، لحظات «بسیار» حساس و سرنوشت‌سازی را سپری می‌کند. غرب در این منطقه و طی 5 سال گذشته سرمایه‌گذاری هنگفتی کرده و هزینه‌های بسیار سنگینی را نیز، هم متحمل شده و هم تحمیل کرده است. این جبهه با راه‌اندازی غائله «داعش» و «تکفیر»، توده‌های عظیمی از انسان‌ها را به کشتن داده یا مجروح، آواره، یتیم و بیوه کرده است. زیرساخت‌های کشورهای درگیر مثل عراق، سوریه و یمن تقریباً به طور کامل نابود شده و شاید سال‌ها طول بکشد بتوان خسارات و خرابی‌های پدید آمده را جبران کرد.

در مقابل اما، پناهجویان هم به سراسر اروپا هجوم آورده و یک بحران جدی امنیتی و اجتماعی را از «غرب» آسیا به «قلب» اروپا سرایت داده‌اند. غرب با پرداخت هزینه‌های مادی، معنوی و سیاسی سنگین، قمار بزرگی کرده و آبرو، پرستیژ و حیثیت خود را به حراج گذاشته است. یکی از بزرگترین هزینه‌هایی که غرب متحمل شده، به چالش کشیده شدن ادعای قدیمی و همیشگی‌اش یعنی «مدافع حقوق بشر» بودن است. اکنون که در حال مطالعه این وجیزه‌اید، پلیس ضد شورش فرانسه، در حال قلع و قمع وحشیانه پناهجویان در شهر مرزی کاله است و کشورهای دیگر اروپایی مثل مجارستان و یونان نیز پی در پی در حال ارائه طرح و تصویب قوانین جدید برای اخراج و سرکوب پناهجویان هستند. روزنامه آلمانی زد دویچه سایتونگ همین دیروز در توصیف شرایط حاکم بر پناهجویان در «کاله» فرانسه نوشت، «اینجا شبیه گوانتانامو است» و در انتهای گزارش خود نیز نتیجه گرفت «وضعیت پناهجویان در این منطقه، برای تمام اتحادیه اروپا مایه شرم است.»

بدون تردید حجم کلان سرمایه و هزینه‌ای که غرب به میدان آورده، به دلیل اهمیت بسیار بالای منطقه و تحولات جاری در آن است. وقتی بیش از 80 کشور در یک جنگ به شکل مستقیم و غیر مستقیم حضور می‌یابند، وقتی باراک اوباما به عنوان راس تمام این توطئه‌ها و جنایات می‌گوید، این تحولات او را پیر کرد، یعنی، پروژه، پروژه عظیمی است. طبق محاسبات غرب اما، اکنون تحولات به خط پایان رسیده و فصل برداشت است. اما این همه ماجرا نیست.

مرکز ثقل تمام تحولات جاری را اگر سوریه و عراق یا به بیان دقیق‌تر «موصل» و «حلب» بدانیم، باید نتیجه گرفت، غرب درست می‌گوید، فصل برداشت فرا رسیده است. اما آیا تحولات در این دو شهر همانگونه پیش می‌رود که غرب تصور می‌کرد؟

موصل، مرکز استان نینوا، قلب داعش و پایتخت به اصطلاح «خلافت» تکفیری‌هاست. اوضاع در این دو شهر صد در صد له مقاومت و علیه جبهه تکفیری غربی است. تقریباً تمام کارشناسان و استراتژیست‌های نظامی اذعان کرده‌اند، با آزاد شدن موصل، کار داعش در عراق تمام است. ممکن است پس از آزادسازی این شهر، داعش چند سالی به صورت پراکنده در این منطقه و آن روستا حملات پراکنده تروریستی انجام داده و عده‌ای را شهید و مجروح کند اما، دیگر خبری از حملات آنچنانی و سقوط این شهر و آن روستا نخواهیم شنید.

بخشی از راز دست و پا زدن‌های ترکیه و حتی آمریکا، فرانسه و انگلیس برای شرکت ولو ظاهری در این عملیات، به دلیل همین مسئله است. ترکیه در این 5 سال بابت حمایت پیدا و پنهان از تکفیری‌ها، کم هزینه نداده است. جنگ موصل، «فینال بازی داعش» است. کسب افتخار مشارکت در آخرین عملیات مهم ضد تروریستی عراق، کم افتخاری نیست. حداقل سود حضور حتی ظاهری و غیر موثر در این عملیات برای کشوری مثل ترکیه این است که می‌تواند ننگ حمایت از داعش را به ظاهر هم که شده از پیشانی خود، پاک و خود را تبرئه کند. این کشور با حضور در جنگ موصل حتی می‌تواند، برای موصل بعد از داعش نیز برنامه‌ها داشته باشد!

اوضاع حلب نیز همین‌گونه است. اهمیت عملیات حلب کمتر از موصل نیست. آزادسازی این شهر هم به معنی پایان کار تکفیری‌ها در سوریه خواهد بود. علت هجمه سنگین قدرت‌های غربی و سازمان ملل علیه ایران، روسیه، سوریه و حزب‌الله به خاطر پیشروی این جبهه در حلب و جدی شدن مسئله پایان غائله تکفیری‌هاست نه نگرانی از به خطر افتادن جان غیرنظامیان. نگرانی این جبهه از به خطر افتادن جان غیر نظامیان، با توجه به پرونده سیاه آنها در کشتار مردم، فقط خنده‌دار است. جان غیرنظامیان اگر برای سازمان ملل مهم بود، پرونده کودک‌کشی آل‌سعود، معلم داعش را، در یمن مسکوت نمی‌گذاشت.

در این برهه حساس جنگ، از نگاه غرب، به دلیل همان هزینه‌های بالایی که برشمردیم، داعش و النصره نباید تمام شوند. غرب و متحدانش به این جانوران احتیاج دارند. تکفیری‌ها مجری پروژه بزرگ و 5 ساله غرب در منطقه هستند و در بازی فینال نباید شکست بخورند. اما تحولات منطقه طور دیگری رقم خورده و جبهه غرب چه بخواد و چه نخواهد این پروژه هم در حال شکست است.

سرنوشت عملیات موصل و حلب سرنوشت تمام منطقه است. پیروز این میدان نیز پیروز تمام منطقه است. امروز تمام دنیا از تروریسم و تفکرات تکفیری زخم خورده است و مسلمانان در این میان از همه بیشتر زخم خورده‌اند بنا بر این می‌توان گفت سرنوشت این دو تاثیرات منطقه‌ای و جهانی تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت، درست مثل سرنوشتی که پایان جنگ جهانی دوم بر

مناسبات جهانی گذاشت.

اگر با پایان جنگ جهانی دوم، فاتحان جنگ یعنی آمریکا، شوروی، فرانسه و انگلیس (متفقین) غنائم را آن طور که خود می‌خواستند تقسیم و مناسبات بین‌المللی را به نفع خود تعریف کردند، به جرات می‌توان ادعا کرد، در جنگی به این مهمی که عده‌ای آن را جنگ جهانی سوم هم خوانده‌اند نیز فاتحان، مناسبات بین‌المللی را می‌توانند به نفع خود تغییر دهند. اما فاتح این میدان دیگر آمریکا، فرانسه و انگلیس نیست، «مقاومت» با محوریت ایران است.

جایگاه رفیعی که ایران اسلامی، جهان تشیع و مقاومت به عنوان تنها هم‌اورد واقعی داعش پس از پایان این قائله در منطقه و دنیا به دست خواهند آورد، جایگاه بسیار برجسته، سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده‌ای است. جایگاهی که بیش از هر چیز مرهون حشدالشعبی، مرجعیت شیعه و سنی، ملت عراق، سوریه و یمن و مهمتر از همه مرهون خون شهداست؛ حتی اگر غول‌های رسانه‌ای دنیا بخواهند این تحولات عظیم را تحت الشعاع قرار دهند.

کوچ تکفیری‌های چشم آبی به خانه، روی دیگر این تحولات است. انفجار، ترور و ناامنی شاید برای برخی کشورهای غرب آسیا مسئله تازه‌ای نباشد اما، برای غرب مدرن یک مسئله تازه و کاملاً جدی است. تحمل ناامنی و حملات تروریستی برای غربی‌هایی که سال‌هاست در بالاترین سطوح و استانداردها زندگی کرده‌اند، کار ساده‌ای نیست.

وقتی 80 درصد مردم آلمان، قوی‌ترین اقتصاد اروپا می‌گویند، «هر آن» احتمال وقوع حمله‌ای تروریستی یا انفجاری انتحاری را می‌دهند، یعنی غرب از آن استانداردها فاصله گرفته است.

مخلص کلام این که، بازی فینال بین داعش و مقاومت با احتمال بسیار زیاد طی ماه‌های آینده به نفع مقاومت تمام خواهد شد اما در غرب، اول کار است و بازی مقدماتی بین داعش و اربابانش تازه آغاز خواهد شد.